

پشت خط

- می‌گویند: دوران غزل به سرآمده و غزل، دیگر شعر امروز نیست؛
- کلماتی مانند (کز، چونان، وز، برنشستن و...) در شعر امروز جایی ندارد؛
- شعر امروز باید به زبان امروز باشد و نگاه مدرن داشته باشد؛
- در شعر امروز، دیگر تشبیه و استعاره و مراعات نظیر جایی ندارد؛
- در شعر امروز.....

از این جور احکام قطعی درباره شعر بسیار رایج است و کسانی هم که اطلاع چندانی از شیوه علمی نقد ادبی ندارند و زیاد کتاب شعر نخوانده‌اند، این جور حرف‌ها را می‌پذیرند.
اما باید پرسید: چه کسی است که

تعیین می‌کند شعر امروز باید چگونه باشد؟ آیا نقد ادبی که روشی علمی برای بازخوانی و تحلیل شعر است می‌تواند براساس حرف‌های محفلی و دورهمی باشد؟

بهترین روش برای شناخت ویژگی‌های شعر امروز، مطالعه آثار برجسته شعر این روزگار است. اما «آثار برجسته» را چگونه تشخیص بدهیم؟ برای هر کسی، با هر سطح دانش و پسند شعری، ممکن است آثار برجسته شعری معنای متفاوت داشته باشد. بنابراین ناگزیریم تنوع پسندها و جریان‌های شعری را بپذیریم و به جای بیان احکام کلی و فراگیر درباره شعر امروز، نظر خودمان را، همراه با استدلال و تحلیل، بیان

کنیم. مثلاً بگوییم: به نظر من، قالب غزل برای بیان مسائل انسان امروز به اندازه شعر آزاد کارایی ندارد.

حال اگر منتقدی دیگر با نظر ما موافق نبود می‌تواند نظر خود را بنویسد و برای رد کردن ناکارآمدی غزل، نمونه‌هایی از غزل‌های موفق بزرگان شعر امروز را مثال بیاورد و تحلیل کند.

یا مثلاً برای ارزیابی میزان درستی این حکم که کلماتی مانند (کز، چونان، وز، برنشستن و...) در شعر امروز جایی ندارد، بهترین روش این است که چند کتاب مهم شعر معاصر را ورق بزنیم و ببینیم، این‌گونه کلمات در آن‌ها آمده است یا نه؟

اسماعیل امینی

نشانت (۱)

مثنوی مولوی نمی‌تواند قوت شعری داشته باشد.

هر چند استفاده از ابزار ادبی و صور خیال ناشیانه و برون کاربردی دلالت بر قدرت شعری ندارد اما همین کار اولین گام برای آفرینش شعر است؛ البته اگر در ظرف کلام حل و هضم هنری نشود ماندگاری‌اش را از دست می‌دهد و تبدیل به یک کلام تمرینی و آموزشی می‌گردد.

اولین شاخصه هر کلام ماندگار در لباس شعر، صرف شعر گونه بودن نیست بلکه شعریت جوهری آن کلام است. مثل سعدی و حافظ و بیدل و شاملو و ...

یادآوری می‌شود که یک مؤلفه به تنهایی نمی‌تواند دلیل ماندگاری و خواندگاری باشد. اگر تنها شعریت بسنده بود خاقانی و انوری و منوچهری و بیدل و ... بایست بیشترین اقبال را می‌داشتند.

در شماره بعد، به اختصار، به «شک‌اندازی» در شعر خواهیم پرداخت.

علی آبان

این کلمه، در واقع سرواژه‌ای است که از هشت واژه ساخته شده و هر حرف بیانگر دو کلمه است. از نظر نگارنده ویژگی‌های مشترک عموم شعرهای ماندگار هشت مورد می‌تواند باشد که هر کدام دارای توضیحات کامل همراه با شواهد در نوشته مکتوب نگارنده آمده است که در اینجا به‌طور اجمال در هر مورد و در هشت شماره تقدیم می‌شود.

هشت واژه مذکور، دو به دو، عبارتند از: شعریت و شک‌اندازی؛ ارتباط و انتقاد؛ نو بودن و نمک داشتن؛ تعالی‌بخشی و تداوم و این‌ها ویژگی‌های شعرند.

هر سروده‌ای در نگاه نخست باید از جوهر شعری سود برده باشد. جوهر شعری کلام با تخیل، یعنی با استفاده هنری از صور خیال (مجاز- استعاره- تشبیه- کنایه و تشخیص) پدید می‌آید. بنابراین کلامی که صرفاً از موسیقی‌های گوناگون بهره‌مند باشد نمی‌تواند در اثبات شعریت خود موفق باشد، به همین جهت در نظر برخی از منتقدین بخش‌های زیادی از، برای مثال،

هر بار تو را می‌بینم
پلک می‌زنم
جهان آغاز می‌شود
می‌روی
جهان تمام می‌شود
تو تاکنون
کسی را این‌گونه دوست داشته‌ای
تا بدانی
چقدر بودند خوب است؟

کلمه؛ آشپزی؛ عاشقی؛ عشق
و یاد سلام دادن‌های تو...
زندگی؛
هذیان طولانی یک شاعر است
برو!...

دستم را بریدم!

نام تو روز

نام تو شب

نام تو عشق

فرقی نمی‌کند...

بی‌نام‌تر؛ بهتر...

نام تو از دل است...

حسین احمدی محبوب

با طلوع تابستان ۱۳۴۱ در بخش سرفیروزآباد کرمانشاه اولین لحظات زندگی را پلک زد. تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس، در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی، در کرمانشاه ادامه داد.

در سال ۱۳۶۳ آموزش و پرورش را به‌عنوان محل خدمت خود انتخاب کرد. در حالی که شعر گفتن را از سال ۱۳۶۲، با حضور در انجمن ادبی سخن، آغاز کرده بود.

احمدی محبوب بیشتر در قالب رباعی و غزل شعر می‌سراید. وی در زمستان ۱۳۹۴ اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «نقاشی لبخند برایم نکشید» توسط انتشارات فصل پنجم منتشر کرد.

قندیل اگر آب شد افتادنی است
پلکی که پر از خواب شد افتادنی است
از اوج گرفتن چرا مغروری؟
هرچیز که پرتاب شد افتادنی است



جان در گرو هم نفسی جا مانده است
بال و پر من در قفسی جا مانده است
دیگر به کسی چگونه دل باید بست
وقتی که دلت پیش کسی جا مانده است



با دلهره‌های بی حدش ساخته‌ام
با آمد و با نیامدش ساخته‌ام
از پیش دلم مبر غم عشقت را
عمریست که با خوب و بدش ساخته‌ام



بر خود، دو سه ضربدر بزن باطل شو
در راه رسیدن به او کامل شو
بر سر دردل، نوشته است این جمله
غم، محترم است با وضو داخل شو

غزل عاشورایی

هنوز شوق تو بارانی از غزل دارد
نسیم یک سبد آینه در بغل دارد
خوشا به حال خیالی که در حرم مانده
و هر چه خاطره دارد از آن محل دارد
به یاد چایی شیرین کربلایی‌ها
لبم حلاوت «حلی من العسل» دارد
چه ساختار قشنگی شکسته است خدا
درون قالب شش گوشه یک غزل دارد
بگو چه شد که من اینقدر دوست دارم؟
بگو محبت ما ریشه در ازل دارد
غلامتان به من آموخت در میانه خون
که روسیاهی ما نیز راه حل دارد
سید حمیدرضا برقی

میلاد نور مبارک

تقدیم به قشنگ‌ترین اتفاق دنیا
چه عاشقانه خوبی، چه حرف‌های قشنگی
بخوان به نام خدایت، عجب صدای قشنگی
قنوت می‌کنی و تا به این زمان نشنیده
پس از تو هیچ کس آواز ربنای قشنگی
تو ایستادی و پشت سر ماه و ستاره
چه مقتدای قشنگی، چه اقتدای قشنگی
بهشت نیست جز آن وقت و آن مکان که تو باشی
تو آمدی و جهان شد بدل به جای قشنگی
حساب می‌کنم و بی‌نتیجه است که داده
خدا چقدر قشنگی به تو سوای قشنگی
بهار نیز هوادار توست مثل من آری
چنین که حال خوشی دارد و هوای قشنگی
اگرچه جزو خلاق حساب می‌شوی اما
خدای مثل تو می‌شد عجب خدای قشنگی
محمد رفیعی، آموزگار از قم

معرفی کتاب نقاشی لبخند برایم نکشید

«نقاشی لبخند برایم نکشید» عنوان مجموعه شعر حسین احمدی محبوب معلم کرمانشاهی است. در این مجموعه ۱۶۲ رباعی چاپ شده که بیشتر در حال و هوای غم‌ها و شادی‌ها و لحظات انسان معاصر سیر می‌کند. تصاویر و مضامین تر و تازه و جاندار رباعی‌های این مجموعه خواننده را خیلی زود با خود همراه می‌کنند. بیژن و ارژن، رباعی‌سرای معاصر، در مقدمه کوتاه خود بر این کتاب از صفای باطن این معلم و شاعر خوب کرمانشاهی گفته است. کتاب را انتشارات فصل پنجم منتشر کرده است.

